



Interpreting the Semantic System in the Public Spaces of Ekbatan Residential Complex, Tehran, Based on the Lived Experiences of Its Residents

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Hamed Abedini¹
Simon Ayvazian^{2*}
Darab Diba³

How to cite this article

M
URL:

ABSTRACT

Aims: Ekbatan Town in Tehran, recognized as one of the prominent legacies of contemporary Iranian architecture, has consistently attracted attention for its distinctive network of public spaces. This study seeks to offer an interpretive analysis of the semantic system embedded in these public spaces, drawing on the lived experiences and meaning-making practices of its residents.

Methods: This study adopts an ethnographic approach within the interpretive-constructivist paradigm. Field observations and interviews with residents of Ekbatan Phase 1 were conducted to explore their lived experiences, which were subsequently analyzed to interpret the semantic constructs they had developed.

Findings: The semantic system within Ekbatan's public spaces is shaped by meaning-making elements such as language, context, history, and symbols. These elements were analyzed through semantic units, which led to identifying initial and core themes, ultimately culminating in extracting semantic constructs. Key constructs identified include spatial identity distinct from the city, narrative and spatial experiences, urban civility and social activism, as well as the historical characteristics of the space and its architecture in daily life.

Conclusion: The lived experiences of Ekbatan residents underscore the critical role of public spaces in residential complexes in shaping social and cultural semantics. This research illustrates that attention to the semantic systems of public spaces can enhance the quality of life, strengthen urban identity, and promote the long-term well-being of residents in social housing projects across the country.

Keywords: Interpretive-Constructivist Paradigm, Semantic System, Ekbatan Residential Complex Tehran, Ethnography Method.

CITATION LINKS

1- Ph.D. in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran.

2-3- Professor of Architecture Department, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran.

*Correspondence

Address: Department of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran.

Email:
ayvasimon@yahoo.com

Article History

Received: ---
Accepted: ---
Published: ---

[1]. Liu X, Moayed H, Ahmadi Dehrashid A, Dai W, Thi QT. Developments....[2]. Liu X, Moayed H, Ahmadi Dehrashid A, Dai W, Thi QT. Improving pedestrian level.. [3]. Doostmohammadi, H., Mahdavejad, M., Kamyabi, S. Contemporizing the...[4]. Zandieh M, Mahdavejad M. Post-Corona Design: Lessons from the...[5]. Maroufi, H., Doulabi, P. Regeneration of Social and Administrative...[6]. Saeidi, P., Salehi, A., Afshary, M. Formalistic References to the Architectural...[7]. Shokri Yazdan Abad S, Rafieian M. The Role Of Interactive Planning In Today's....[8]. Mikaeili R, Karami E, Yousefi Tazakor M. Study and analysis of quality evaluation....[9]. Abedini H, Ayvazian S, Diba D. Explaining the Theoretical Model for the Role of...[10]. Mirmiran, S. M., Malekafzali, A., Karimifard, L. Interpretive Phenomenology of Interface...[11]. Alimoradi, A., Ahmadi, H., Gobadian, V. Semantic Reading of the Safavid...[12]. Pourzargar M, Abedini H. Explaining the Components of Contemporization and Quality....[13]. Mansour Hosseini, N., Javan Forouzande, A., Motalebi, G...[14]. Zolfaghari SM, Pons O, Nikolic J. Sustainability assessment...[15]. Gholami, S., soheili, J., rahbarimanes, K. Middle-Class Housing Analysis...[16]. Akhondi P, Jalili M, Talischi G, Sasan Pour F. modeling the effects of enclosure...[17]. Yazdani Rosram F, Saeide Zarabadi Z, Habib F. Investigating the effect of spatial...[18]. pourzargar M, Abedini H. Reading the Hidden Geometry in the Historic...[19]. Abedini, H. Baharestan Square and the Realization of Civic



تفسیر نظام معنایی جاری در فضاهای عمومی شهرک اکباتان تهران بر مبنای تجربه زیسته ساکنان

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق بنیادی

نویسندگان

حامد عابدینی^۱
سیمون آیوازیان^{۲*}
داراب دبیا^۳

اهداف: شهرک اکباتان تهران، به عنوان یکی از میراث‌های معماری معاصر ایران، با شبکه فضاهای عمومی ویژه خود همواره در کانون توجه بوده است. این پژوهش با هدف ارائه خوانشی تفسیری از نظام معنایی موجود در فضاهای عمومی این شهرک، بر اساس تجربه زیسته و تولید معانی توسط ساکنان آن، انجام شده است.

روش‌ها: پژوهش در چارچوب پارادایم برساختی-تفسیری و با استفاده از روش مردم‌نگاری انجام شده است. تجربه زیسته ساکنان فاز یک شهرک اکباتان با بهره‌گیری از مشاهده و مصاحبه‌های میدانی بررسی شده تا سازه‌های معنایی تولید شده توسط آن‌ها تحلیل و تفسیر گردد.

یافته‌ها: نظام معنایی فضاهای عمومی شهرک اکباتان بر اساس چهار عنصر معناساز شامل زبان، بستر، تاریخ و نشانه‌ها شکل گرفته است. فرایند تحلیل واحدهای معنایی و استخراج مضامین اولیه و اصلی، به استخراج سازه‌های معنایی انجامیده که ساختار کلی این نظام را تشکیل می‌دهند. این سازه‌ها عبارتند از: هویت متمایز فضایی از شهر، روایت‌گری و تجربه فضایی، مدنیت و کنشگری اجتماعی، خصلت تاریخی فضا و معماری بستر نقش‌آفرینی زندگی روزمره.

نتیجه‌گیری: تجربه زیسته ساکنان شهرک اکباتان بر اهمیت فضاهای عمومی در مجموعه‌های مسکونی و نقش آن‌ها در تولید معانی اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. نتایج این پژوهش بیانگر اهمیت توجه به نظام تولید معنا در فضاهای عمومی است که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی، ارتقاء هویت شهری و ماندگاری افراد در پروژه‌های مسکن اجتماعی کشور منجر شود.

کلیدواژه‌ها: پارادایم برساختی-تفسیری، نظام معنایی، شهرک اکباتان تهران، روش مردم‌نگاری.

نویسنده مسئول *

ayvasimon@yahoo.com

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

ارجاع‌دهی

م

URL: <http://b>

مقدمه

مسکن یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران در دو دهه اخیر بوده است که به دلیل افزایش تقاضا، تغییرات اقتصادی و رشد سریع شهرنشینی، به مسئله‌ای ملی بدل گشته و نیازمند سیاست‌گذاری‌های جدید و گسترده‌ای است. [۱-۴] یکی از راهکارهای کلیدی در این زمینه، مطالعه جنبه‌های گوناگون تجربیات مجموعه‌سازی در ایران معاصر است که به‌نوعی پاسخی سریع به بحران مسکن و نیاز به توسعه سکونتگاه‌های گسترده شهری بوده است. [۵-۹] اگرچه بیشتر تحقیقات در این زمینه بر جنبه‌های کالبدی و عملکردی فضاها متمرکز است، اما تجربه و معانی تولیدشده توسط ساکنان کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، آنچه توسط برنامه‌ریزان، طراحان و کارفرمایان طراحی و ساخته می‌شود، معمولاً در تجربیات ساکنان مسیر متفاوتی را طی می‌کند و افراد به‌صورت فردی و جمعی این فضاها را برای خود معنا می‌کنند. در این راستا، مفهوم "نظام معنایی" به‌عنوان رویکردی تحلیلی برای درک چگونگی شکل‌گیری و تجربه معانی در این فضاها مطرح می‌شود. نظام معنایی به شبکه‌ای از معانی و مفاهیم اشاره دارد که از طریق تعامل ساکنان با محیط‌های زندگی، به‌ویژه فضاهای عمومی، شکل می‌گیرد. [۱۰-۱۲] این معانی به تدریج و در طول زمان از طریق تعاملات اجتماعی تولید می‌شوند. بنابراین، مطالعه ساختار فضاهای عمومی و نحوه شکل‌گیری این معانی از طریق تفسیر لایه‌های ادراکی و ذهنی مخاطبان، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

شهرک اکباتان تهران، که فاز اول آن در دهه ۱۳۵۰ ساخته شد، نمونه‌ای منحصربه‌فرد از معماری مدرن در حوزه شهرک‌سازی مسکونی به شمار می‌رود. این مجموعه با طراحی ویژه و ساختار کالبدی‌اش، به یکی از میراث‌های معماری معاصر ایران تبدیل شده و نقشی مؤثر در تعریف چشم‌انداز معماری شهرهای ایران، به‌ویژه در حوزه مسکن ایفا کرده و با ساختار برجسته و برنامه‌ریزی شهری پیشرفته‌اش، نماد تحولات معماری مدرن در ایران است. [۱۳-۱۴] پروژه شهرک اکباتان توانسته یک نظام کالبدی منسجم را همراه با فضاهای عمومی گسترده و چندمنظوره ایجاد کند که هویت منحصربه‌فردی به آن بخشیده است. [۱۵-۱۶] فضاهای

عمومی این شهرک، به‌ویژه عرصه‌های نیمه‌باز و باز آن، شامل پیلوتی‌ها، فضاهای بین بلوکی، بازارچه‌ها و مسیرهای ارتباطی، بسترهایی پویا برای حضور و فعالیت ساکنان فراهم می‌آورند. در طول سال‌ها، این فضاها تعاملات دوسویه و چندلایه‌ای را با ساکنان برقرار کرده و بستری برای تولید هویت اجتماعی و فرهنگی هستند. [۱۷-۱۸] این فضاها از طریق کنش‌های روزمره و تعاملات و تقابل‌های اجتماعی، معانی جدیدی فراتر از کالبد فیزیکی ساختمان‌ها را ایجاد کرده و به ساکنان این امکان را می‌دهند تا در رفتارهای فردی و جمعی، از تعاملات روزمره تا رویدادهای خاص، معانی فرهنگی و اجتماعی را بازتولید کنند. [۱۹-۲۰]

خوانش معنایی فضاهای عمومی که به‌عنوان نقاط محوری بازنمایی هویت جمعی شناخته می‌شوند، در درک بهتر چگونگی تأثیر معماری بر زندگی شهری و تعاملات اجتماعی نقش بسزایی دارد. با این حال، پژوهش‌های محدودی به بررسی چگونگی تولید این سازه‌های معنایی توسط ساکنان شهرک اکباتان و ارتباط آن‌ها با فضاهای معماری پرداخته‌اند. شهرک اکباتان، با فضای عمومی گسترده‌اش، زمینه مناسبی برای مطالعه این نظام معنایی و نحوه تأثیر معماری بر آن است. درک پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی نهفته در فضاهای عمومی اکباتان و خوانش معنایی این فضاها می‌تواند به شناخت نقاط ضعف و قوت و بهبود کیفیت زندگی ساکنان در تجربیات آتی منجر گردد. در این راستا، هدف این پژوهش تفسیر و درک نظام معنایی حاکم بر فضاهای عمومی شهرک اکباتان تهران است. این مطالعه با استفاده از رویکردهای کیفی و تحلیل تجربیات زیسته ساکنان و کنش‌های فردی و جمعی آن‌ها، به شناسایی و تحلیل نحوه شکل‌گیری و بازتولید معانی و تفسیر آن‌ها در فضاهای عمومی این مجموعه مسکونی می‌پردازد تا ضمن درک عمیق‌تر از معانی نهفته در این فضاها، به این پرسش پاسخ دهد: نظام معنایی حاکم بر فضاهای عمومی شهرک اکباتان چگونه از طریق تجربیات زیسته ساکنان این مجموعه شهری تفسیر و درک می‌شود؟

مواد و روش‌ها

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی و میدانی است که به‌منظور درک عمیق از معانی اجتماعی و فرهنگی ساکنان اکباتان در فضاهای عمومی، با استفاده از رویکرد مردم‌نگاری

ساکنان بود. ۲. مضامین اولیه: واحدهای معنایی بر اساس شباهت‌ها و الگوهای مشترک، در قالب مضامین اولیه دسته‌بندی شدند. ۳. مضامین اصلی: مضامین اولیه با توجه به ارتباطات و معانی مشابه، به مضامین اصلی تبدیل شدند که نمایانگر مفاهیم کلیدی و مشترک در تجربیات ساکنان بود. ۴. سازه‌های معنایی: درنهایت، از ترکیب مضامین اصلی، سازه‌های معنایی استخراج شدند. این سازه‌ها به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل معانی اجتماعی و فرهنگی ساکنان در مواجهه با فضاهای عمومی اکباتان عمل می‌کنند. برای افزایش اعتبار و روایی تحقیق، از چندین استراتژی استفاده شد. نتایج اولیه با برخی از شرکت‌کنندگان بازبینی و صحت آن‌ها از طریق بازبینی توسط اعضا تأیید شد و برای اطمینان از دقت کدگذاری داده‌ها و استخراج واحدهای معنایی برخی از داده‌ها توسط دو محقق مستقل کدگذاری شدند تا از هم‌سویی کدها اطمینان حاصل شود.

مورد مطالعاتی: شهرک اکباتان

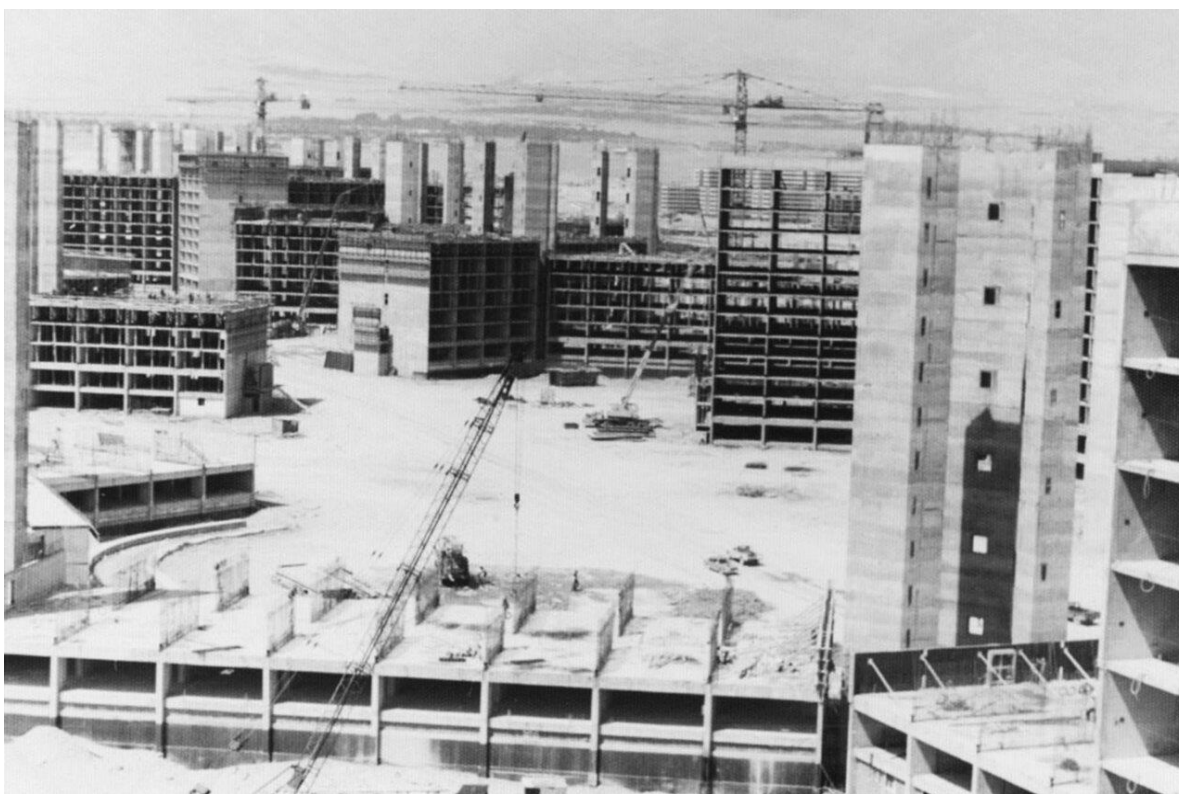
فاز اول شهرک اکباتان تهران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های معماری معاصر ایران در حوزه مسکن، در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی به ثمر رسید. هدف اصلی از ساخت این شهرک، ایجاد محیطی مطابق با استانداردهای مدرن و مطلوب جهانی در آن زمان بود. طراحی اکباتان با در نظر گرفتن فضاهای سبز، خیابان‌های عریض، و فضاهای عمومی، الگویی از زندگی مدرن شهری بود که علاوه بر توجه به نیازهای ساکنین، با عنایت به اصول زیست‌محیطی و اجتماعی شکل گرفته است. این مجموعه در منطقه پنج شهرداری تهران واقع شده و از جنوب به بزرگراه مخصوص کرج و فرودگاه مهرآباد، از شمال به کوی فردوس، از غرب به صنایع هواپیماسازی، و از شرق به شهرک‌های آپادانا و بیمه محدود می‌شود. در حال حاضر اکباتان شامل سه فاز، ۲۰۰ هکتار مساحت، ۳۳ بلوک، و ۱۵۶۷۵ واحد مسکونی است که جمعیتی حدود ۴۵۰۰۰ را در خود جای داده و همچنان به‌عنوان بزرگ‌ترین مجتمع مسکونی کشور شناخته می‌شود. همچنین، اکباتان از امکانات فرهنگی، آموزشی، ورزشی و بوستان‌های متعدد برخوردار است و در تقسیمات اداری به‌عنوان یک محله با شورایاری مستقل فعالیت می‌کند. [۲۵] (تصویر ۱ و ۲)

انجام شده است. مردم‌نگاری به‌عنوان یک روش تحقیق زندگی روزمره و تعاملات انسانی در محیط طبیعی (محیط بدون مداخله و دست‌کاری محقق) بررسی کرده و محقق را قادر می‌سازد از طریق مشارکت و مشاهده مستقیم، به کشف معانی پنهان در رفتارها و تعاملات افراد بپردازد. [۲۱] این رویکرد به پژوهشگر کمک می‌کند تا ارتباطات میان ساکنان در فضاهای عمومی شامل فضاهای میان بلوکی، پیلوتی‌ها، بازارها، و مسیرهای ارتباطی و اتصالی را تحلیل و معانی را شناسایی کند. مشاهده رفتارها و کنش‌های افراد در فضاهای مختلف به همراه مصاحبه، شاکله اصلی این روش را شکل می‌دهد. بر این اساس جهت نمونه‌گیری و انتخاب شرکت‌کنندگان در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند که به محقق این امکان را می‌دهد تا افرادی را انتخاب کند که تجربه‌ها و اطلاعات عمیق و مرتبطی در زمینه مطالعه دارند [۲۲] استفاده شده است. به این ترتیب، ساکنانی که بیشترین تجربه از زندگی در فضاهای عمومی اکباتان را داشتند، برای مصاحبه انتخاب شدند. این افراد به‌عنوان منابع کلیدی در تحلیل معانی اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار گرفتند. برای مصاحبه با این جامعه آماری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد تا شرایط دنبال کردن سؤالات از پیش تعیین‌شده و دستیابی به عمق بیشتر در گفتگو با مصاحبه‌شوندگان میسر شود. [۲۳] در مجموع ۱۸ مصاحبه انجام شد که هرکدام بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. سؤالات مصاحبه به‌گونه‌ای طراحی شده بودند که هم تجربه‌های فردی و هم اجتماعی ساکنان را پوشش دهند. تمامی مصاحبه‌ها ضبط شده و سپس به‌طور دقیق پیاده‌سازی شدند. این مجموعه مصاحبه‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری زمانی رخ می‌دهد که پس از چندین مصاحبه، اطلاعات جدیدی از داده‌ها به دست نمی‌آید و الگوهای مشترک تکرار می‌شوند. در این پژوهش، اشباع نظری پس از انجام ۱۵ مصاحبه حاصل شد، اما به‌منظور اطمینان بیشتر، ۳ مصاحبه اضافه نیز انجام گردید.

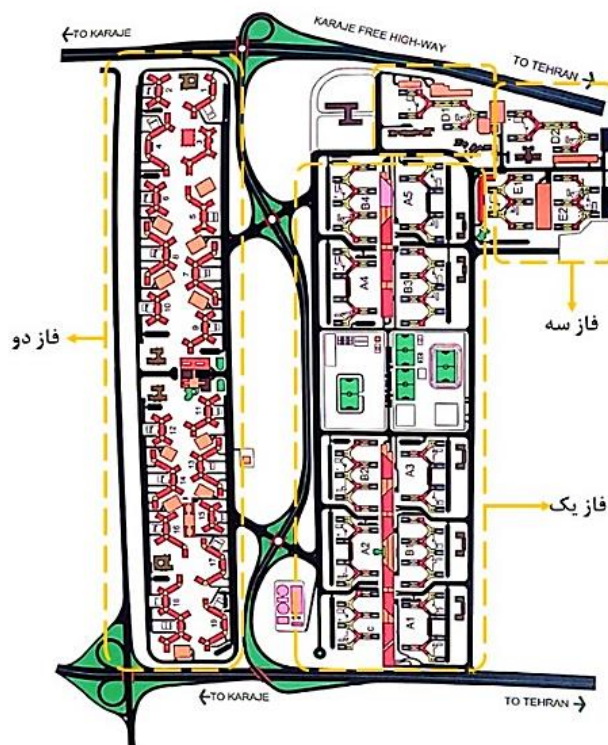
روش تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از این مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل مضمون و با تمرکز بر شناسایی و دسته‌بندی الگوهای معنایی [۲۴] در چهار مرحله انجام شد: ۱. واحدهای معنایی: ابتدا، داده‌های مصاحبه به واحدهای معنایی کوچکی تقسیم شدند که نشان‌دهنده بخشی از تجربیات زیسته

شرکت پیمانکار آمریکایی "استارت" و با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین فناوری‌های زمان خود احداث شدند. این فاز شامل ۱۰ بلوک مسکونی با ۶۵۱۱ واحد است و امکاناتی نظیر دو استادیوم ورزشی شهید دستگردی (پاس) و راه‌آهن را در برمی‌گیرد. بلوک‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که چهار بلوک در شمال و شش بلوک در جنوب استادیوم‌ها قرار دارند. همچنین این فاز دارای هفت بازارچه در جنوب و چهار بازارچه در شمال استادیوم‌ها است. [۲۵-۲۶] بلوک‌های فاز یک به شکل ۷ بوده که این فرم تندیس‌گون زمینه‌ساز ایجاد چشم‌اندازهای وسیع شده است. هر بلوک دارای سه قسمت مجزا با ارتفاع‌های متفاوت است: پنج طبقه در بخش اول، نه طبقه در بخش دوم، و دوازده طبقه در بخش سوم. همچنین پنجره‌های نواری و طویل‌جانبی شده در نمای بلوک‌ها، به یکی از شاخصه‌های برجسته‌ی معماری آن تبدیل شده و قرارگیری بلوک‌ها بر روی پیلوتی دسترسی به آن‌ها را از جهات مختلف ممکن ساخته است. [۲۷]

با توجه به وسعت شهرک اکباتان و تنوع فضاهای عمومی آن، این پژوهش برای محدود کردن دامنه‌ی بررسی، فاز یک مجموعه را انتخاب کرده است. قدمت بیشتر این فاز بیانگر طولانی‌تر بودن دوره‌ی سکونت در آن است که به شکل‌گیری معانی و تعاملات اجتماعی عمیق‌تری منجر شده، و از نقطه‌نظر تاریخی به‌مثابه یکی از عوامل کلیدی معناساز، اهمیت می‌یابد. علاوه بر این، فاز یک به‌عنوان نخستین مرحله از ساخت شهرک، به‌نوعی پایه‌گذار و نمونه‌ای اولیه برای فازهای بعدی بوده است و بیشترین وفاداری را به اصول طراحی مدرن موردنظر طراحان نشان می‌دهد. فضاهای پیلوتی و میان‌بلوکی فاز یک نیز به‌عنوان بخش مهمی از عرصه‌های عمومی، نقش مؤثری در تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند. همچنین، این فاز به دلیل جایگاه پیشگامانه‌اش در مجموعه، از دیدگاه معماری و شهرسازی نیز حائز اهمیت ویژه است. فاز یک شهرک اکباتان در اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی توسط فریدون آذری طراحی و تحت مدیریت رحمان گلزار شبستری با همکاری



تصویر ۱: فاز یک شهرک اکباتان در حال ساخت، مأخذ: <https://www.hamshahrionline.ir>



تصویر ۲: موقعیت قرارگیری فازهای شهرک اکباتان.

پیاده‌روی، و محل‌های تجمع کوچک است که برای فعالیت‌های اجتماعی و استراحت طراحی شده‌اند. طراحی این فضاها به گونه‌ای است که سهولت حرکت و ایمنی میان بلوک‌ها را میسر می‌گرداند. (تصویر ۴)

۳. فضاهای جمعی و تفریحی: در کنار فضاهای پیلوتی و بین بلوک‌ها، فاز یک اکباتان دارای فضاهای جمعی و تفریحی گسترده‌ای نیز هست که شامل پارک‌ها، زمین‌های ورزشی، و مکان‌هایی برای فعالیت‌های گروهی می‌شود. این فضاها به منظور تقویت حس اجتماع و ایجاد فرصت‌های برگزاری رویداد و همراهی اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

۴. بازارچه‌ها: بازارچه‌های یازده‌گانه به شکلی خطی و متوالی طراحی شده‌اند که به واسطه‌ی نظم کالبدی خود، دسترسی آسان ساکنان به خدمات تجاری و رفاهی را تسهیل می‌کنند. این بازارچه‌ها در امتداد یک محور مستقیم قرار گرفته‌اند و با فواصل منظمی از یکدیگر جدا شده‌اند. بین هر چند بازارچه، فضایی میانی وجود دارد که در میان ساکنان به عنوان "بین سوپر" شناخته می‌شود که به عنوان نقاط تجمع، و گذر ساکنان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

فضاهای عمومی این شهرک، شبکه‌ای به هم پیوسته میان بلوک‌ها را شکل می‌دهند که به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: «فضای پیلوتی» به عنوان فضای نیمه‌باز زیر بلوک‌ها و «فضای بین بلوکی» که شامل فضاهای باز میان بلوک‌ها است. علاوه بر این، مسیرهای دسترسی، فضاهای تفریحی، فضاهای تجاری، و مسیرهای ارتباطی نیز ترکیبی از فضاهای نیمه‌عمومی و عمومی ایجاد کرده‌اند که به هم متصل شده‌اند و در تقویت تعاملات اجتماعی و بهبود تجربه‌ی زندگی شهری نقشی مؤثر ایفا می‌کنند.

۱. فضای پیلوتی (زیر بلوکی): این فضاها در طبقه همکف ساختمان‌ها قرار دارند و با ستون‌هایی از سطح زمین بلند شده‌اند و معمولاً شامل ورودی‌های اصلی و مسیرهای عبوری است. این فضا، به دلیل باز بودن و جریان طبیعی هوا، علاوه بر کاربری خدماتی، محلی برای شکل‌گیری بخشی از تعاملات ساکنان نیز به شمار می‌رود. (تصویر ۳)

۲. فضای بین بلوک‌ها (میان بلوکی): این فضاها به عنوان مراکز اصلی تعاملات اجتماعی ساکنین شناخته می‌شوند. «فضای بین بلوک‌ها» شامل باغچه‌ها، فضاهای سبز، مسیرهای

قابل توجهی از فضاها در شهر، به جهت همین نظام معانی، تفاسیری متفاوت از طراحی پیدا کرده و کارکرد اجتماعی آن‌ها مسیری متفاوت از مقاصد اولیه را طی می‌کند. لذا نظام-های معنایی برساخته‌هایی انسانی هستند متشکل از لایه‌های معنایی که در طول تاریخ هر فضا انباشته شده است و امکان تفسیرهای مختلفی را فراهم می‌کند. از این رو هدف اصلی خوانش معنایی، ارائه تفسیری کامل‌تر نسبت به تفاسیر گذشته و بر مبنای درون‌مایه‌ای عمیق است. در این میان زبان مهم‌ترین مکانیسم دریافت، استخراج، انتقال و بازنمایی معنا می‌باشد.

معنا در اندیشه متفکران به شیوه‌های گوناگون تعریف و صورت‌بندی می‌شود، باین‌حال نگرش فهم معنا توسط برخی از این متفکرین به‌طور مستقیم بر شیوه فهم معنا در نسبت با فضا به متمرکز هستند. جدول ۱ گزارشی از این اندیشمندان و نظریه‌های آن‌ها را دسته‌بندی و ارائه کرده است. با عنایت به این جدول خاستگاه معانی در اندیشه بشری پیرامون موضوعات مختلفی نظیر فضا، متأثر از ساحت‌های گوناگونی است که بر اساس زاویه نگاه محقق تبیین شده و مورد توجه قرار می‌گیرد. در این پژوهش نیز محورهای تولید معنا در فضاهای عمومی شهرک اکباتان مشخص گردیده تا مبنایی جهت صورت‌بندی عوامل معناساز و استخراج سازه‌های تشکیل‌دهنده نظام معنایی جاری در آن باشند.

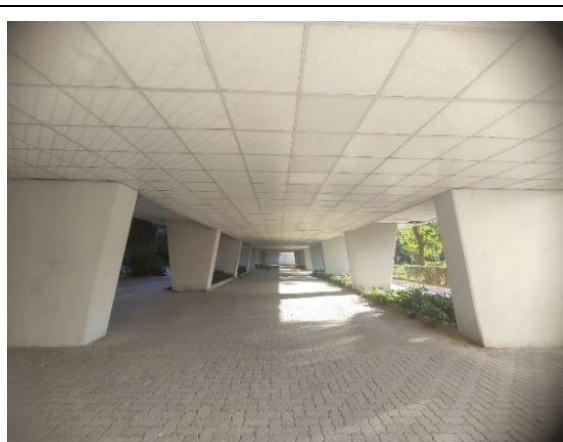
۵. فضاهای ارتباطی و اتصال‌دهنده: ارتباط بین کلیه فضاهای عمومی مجموعه از طریق شبکه‌ای از مسیرهای پیاده‌روی و خیابان‌های اصلی برقرار می‌شود. این طراحی باعث می‌شود که هر فضا به‌طور یکپارچه به دیگر بخش‌های عمومی متصل باشد و ساکنان بتوانند به راحتی و با امنیت بین خانه‌ها، فضاهای سبز، مراکز خرید، و دیگر خدمات شهری حرکت کنند.

بعد معنایی؛ چارچوبی نظری برای سازه‌های معنایی

ساختمان و شهر در درجه اول بر مبنای پاسخ به خواست کارفرمایان و دیدگاه طراحان تعریف و طراحی شده و شکل کلی آن‌ها در زمان ساخت مشخص می‌گردد. باین‌حال، معنابخشی به این فضاها غالباً فرایندی متفاوت را طی می‌کند. از لحظه‌ی حضور انسان در فضا، فرآیند تولید معنا آغاز می‌شود و لایه‌های معنایی متنوعی به‌طور فردی و جمعی توسط افراد مختلف در یک روند پیوسته و تاریخی شکل می‌گیرد. [۲۸-۳۲] فهم این ساختار پیچیده معانی تولیدشده از طریق خوانش تفسیری ممکن شده تا در هر زمان وجوه مختلفی از این معانی روشن گردد. مخاطب و شهروند در مواجهه‌ای متفاوت با عناصر عینی قرار می‌گیرند تا در فرآیندی ذهنی و از طریق تجربه زیسته، زبان، تعاملات اجتماعی، حافظه، و رفتار انسانی، ساخت نظم معنایی و به دنبال آن فضای اجتماعی ممکن گردد. [۳۳] بخش



تصویر ۴: فضاهای میان بلوکی، مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳: فضاهای پیلوتی (زیربلوکی)، مأخذ: نگارندگان

جدول ۱: نظریات پیرامون معنا و سازوکارهای تولید آن در انسان، مأخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	نظریه	شرح دیدگاه نسبت به فضای عمومی	منبع	نکات برجسته
ستا. م. لو	ساخت اجتماعی فضای عمومی	نظریه «ساخت اجتماعی» به بررسی مناقشه میان فضا و معنا به دلایل اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک پرداخته می‌شود.	Low, 1996 [۳۲]	• فضا محصول معانی انتقال یافته از طریق زبان، تعامل اجتماعی، حافظه، بازنمایی و عملکرد انسان است.
ادموند هوسرل	اپوخه	رسیدن به ذات پدیدارها در رویکردی کاملاً انضمامی و عینی، بدون واسطه و مستقیم با پدیدارها	امامی کوپائی و همکاران، ۱۳۹۷ [۳۳]	• به سوی خود چیزها
مارتین هایدگر	هستی و زمان	فضای زیست ما موقعیت کرانمندی است که بیشتر دربرگیرنده «فضای کیفی» است تا یک جای هندسی. همگن که ما درون آن جای گرفته باشیم.	میرمیران و همکاران، ۱۴۰۱ [۱۰]	• هستی‌شناسی فضا و مفهوم سکونت
موریس مرلوپونتی	جهان ادراک	تجربه‌های ما به هم مرتبطاند و خصوصیات واقعی خود شیء را بر ما آشکار می‌کنند، که همان نحوه پدیدار شدن شیء است و نه جوهری پنهان که در پس تجربه از نمود شیء قرار گرفته باشد.	Merleau-Ponty, 2008 [۳۴]	• تجربه زیسته؛ مبتنی بر هستی تجربه و پدیدار شدن تجربه
کریستین نورنبرگ شولتز	ساحت بی‌کران زندگی	زیست جهان روزانه ما از پدیدارهای عینی نظیر مردم، حیوانات، درختان، شهر، خانه‌ها، ... که قابل تجزیه نیستند شکل گرفته است.	حسینی گوهری و همکاران [۳۵]	• عدم تفکیک امور و پیوستگی هر آنچه پیرامون انسان را شکل می‌دهد.
آنتونی گیدنز	نظریه ساخت-کنش	ساخت‌های کلان به همان اندازه که کنش‌ها ساخت‌ها را تعیین می‌کنند در وضعیت رفتارها مؤثر هستند	Giddens, 2009 [۳۶]	• تأثیر ساخت‌های کلان جامعه (سیستم) و ساخت‌های خرد و روزمره (زیست جهان) در ایجاد وضعیت اجتماعی
گاستون باشلار	بوطیقای فضا	فضا در معنای اثبات‌گرایانه آن دیگر عرصه‌ای برای تجربه زیسته نیست تا بتوان در گذر زمان به مزیت‌های آن پی برد.	Bachelard, 1994 [۳۷]	• جوهره فضا و روح مکان همسو با خیال
دیوید سیمون	پدیدارشناسی مکان و معماری	تجربه‌های مکان، مبتنی بر باشندگی جسمانی ما، حوزه‌های حضور و جامع از ادراک، زیبایی‌شناسی حسی مکان، سکنی گزیدن، لذت بردن، و توجه به مکان	Seamon 2018 [۳۸]	• مکان به مثابه ساختار هستی‌شناسانه شکل‌دهنده به تجارب انسانی
محمد رضا پورجعفر	تقویت و تداوم حس مکان	انسجام کلیت متن مکان از طریق نقش و ارزش لایه-های مختلف متنی مکان شامل: فعالیت‌ها، کالبد، تصورات	شاهین‌راد، رفیعیان و پورجعفر [۳۹]	• نمایش قصه‌های شهری از طریق عناصر کالبدی و غیر کالبدی
عبدالحمید نقره‌کار	هستی‌شناسی معنا در معماری	مهم‌ترین خاستگاه معنای اثر، ایده‌ها و ایده‌آل‌های معمار اثر است	منان رئیسی و نقره‌کار [۴۰]	• رابطه صورت و معنا در معماری و شهر، رابطه‌ای است از نوع تجلی
محمدجواد مهدوی‌نژاد	معماری سرآمد	معماری یک مکالمه و ارتباط است که میان معمار و مخاطب برقرار می‌شود و رسانه آن معماری است.	مهدوی‌نژاد [۲۸]	• انتقال پیام معماری از طریق زمینه (بافت پیرامون)، فرم و شکل، رمزگان پیام و ابزار بیان (رسانه)
عیسی حجت	معماری سنتی	معماری سنتی از یگانگی و وحدتی ذاتی میان جسم و جان و ظاهر و باطن معماری برخوردار است.	حجت [۴۱]	• سنت مقدس شکل‌دهنده وجه معنایی معماری (دل معماری)
سید امیر منصوری	سازمان فضایی شهر	سازمانی فضایی شهر به مثابه عامل وحدت‌بخش کل شهر و انتظام دهنده آن	منصوری و همتی [۴۲]	• سازمان فضایی روح حاکم بر معناها و شهر
حسن سجاذزاده	تولید معنا در فضای شهری	فضای نوشتاری (ساخت) و فضای گفتاری (کنش خوانش)، عوامل اصلی در قرائت فضای زیستی انسان هستند و زمینه تولید معنا را فراهم می‌کنند.	سجاذزاده و اریس [۴۳]	• تولید معنا از طریق ساختار فضا در همراهی با روابط فرهنگی و اجتماعی

عوامل معنا ساز

زبان؛ اصطلاحات و نام گذاری های منحصر به فرد: زبان در فرآیند تولید معنا در شهرک اکباتان، ابزاری برای ارتباط و بستری برای شکل دهی به معانی جمعی و فرهنگی ساکنان است. این عامل، به ویژه میان نسل جوان، نقش کلیدی در شکل دهی هویت فضایی و اجتماعی دارد. اصطلاحات زبانی نمودی از فرآیند ادراک محیط از طریق زبان و به عنوان واسطه ای برای فهم و تجربه فضا هستند. [۴۴] نام گذاری های خاص مانند "لابلوکی" و "زیر بلوکی" بر روی فضاها توسط ساکنان آن، به طور مستقیم و یا با واسطه با ساختار فضایی و معماری شهرک اکباتان در ارتباط هستند. این زبان فضایی به مثابه یک شبکه معنایی عمل می کند و تجربیات ساکنان را با واژگان محلی ترجمه می کند. با این حال، زبان ممکن است موجب شکاف های اجتماعی شود، به ویژه بین ساکنان قدیمی و جدید که با اصطلاحات محلی آشنایی ندارند. افرادی که به تازگی به اکباتان آمده اند، در مواردی درک کاملی از این اصطلاحات ندارند و با احساس انزوا مواجه می شوند. این مسئله نشان دهنده قدرت سمبلیک زبان است که پیر بوردیو از آن به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به تفاوت های اجتماعی یاد می کند. [۴۵] زبان همچنین انتقال دهنده تاریخچه و فرهنگ یک مکان بوده و نسل ها تجربیات خود را از طریق آن به یکدیگر منتقل می کنند. [۴۶] در این ارتباط آلدو روسی بر اهمیت زبان و معماری به عنوان بخشی از حافظه جمعی تأکید داشته است. [۴۷] واژگان محلی در عین حال که بر غنای فرهنگی و در باز تولید معانی فضایی نقش دارند، ممکن است ایجاد کننده مرزهای اجتماعی بوده و همزیستی را محدود نمایند. این چالش ها بخشی از پیچیدگی های اجتماعی و فرهنگی اکباتان هستند که در آن زبان، تعاملات مثبت و منفی را میان ساکنان ایجاد کرده، پل میان گذشته، حال و آینده بوده و نقشی پررنگ در تکوین تجربه زیسته افراد در فضاهای عمومی آن ایفا می کند.

نشانه ها؛ مشخصه های فضایی

نشانه های معماری، علاوه بر نقش بصری، در شکل گیری معنا و تجربه زیسته افراد اهمیت ویژه ای دارند. این نشانه ها بسته به درک افراد از فضا، معانی متفاوتی ایجاد می کنند. ساختار فضایی، مصالح و چیدمان نشانه ها به عنوان یک سیستم

معناساز عمل کرده و تجربه ای منحصر به فرد از فضا خلق می کنند. [۵۵] این نشانه های معماری از طریق تکرار، وحدت یا تضاد با انتظارات، معنا را در ذهن مخاطب می سازند. نمای یکنواخت اکباتان، با طرح ساده بتنی، پنجره های نواری و پیلوتی ها، از دید برخی کسل کننده، اما برای برخی دیگر نماد وحدت است. [۵۶] این سبک، به وضوح تحت تأثیر ایده های لوکوربوزیه قرار دارد که از بتن برای خلق فضاهای مدرن و صنعتی استفاده می کرد. [۵۷] از جمله نشان های فضایی اکباتان می توان به سنگفرش ها و مصالح کف محوطه های باز (تصویر ۵) و مسیرهای مورب بین بلوک ها، که بین ساکنان معروف به "راه کجه" است و حرکت فضایی منحصر به فردی را به وجود می آورد (تصویر ۶) اشاره کرد. همچنین نحوه قرارگیری اجزای هر بلوک، ارتفاع و رعایت اصولی مانند سایه اندازی و حریم خصوصی نیز از دیگر نشانه های مهم اکباتان به شمار می روند. برای برخی شهروندان و ساکنان تازه وارد، اکباتان فاقد نشانه های شاخص بیرونی است و به عنوان فضایی یکنواخت تلقی می شود. درواقع نشانه های آن بیشتر بر اساس تجربه زیسته ساکنان شکل گرفته و معنایی درونی یافته اند. برخی معماران، فقدان المان های برجسته را نماد دموکراتیک بودن فضا می دانند که در آن توازن میان اجزا حفظ شده است [۵۸] و برخی دیگر، این یکنواختی را نتیجه سبک بین الملل مدرن می دانند که با حذف هویت های محلی و تزئینات به دنبال خلق معماری جهانی است. [۵۹] به این ترتیب، در معماری اکباتان، نشانه ها پیچیده تر شده و به مفاهیمی ذهنی نیازمند تفسیر تبدیل می شوند.

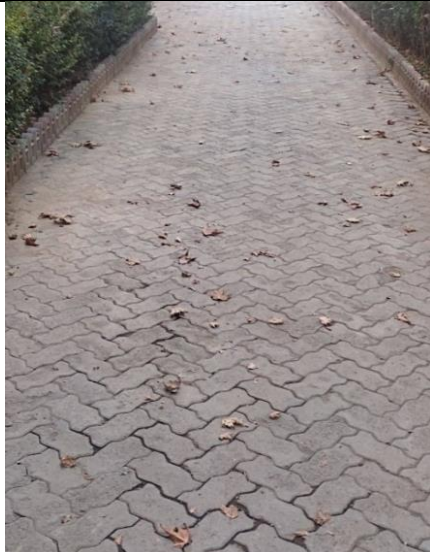
تاریخ؛ روایت های گذشته و حال

تاریخ به عنوان یکی از عناصر معناساز، با تأثیر بر ذهن و ناخودآگاه افراد، با گذشته ارتباط برقرار کرده و درک آن ها از فضا را شکل می دهد. هرچه پیوند با فرهنگ گذشته قوی تر باشد، درک عمیق تری از فضا به دست می آید. [۵۳-۵۴] تاریخ یک مکان، علاوه بر جنبه عینی، بخشی از هویت ذهنی و تجربیات زیسته افراد در فضاها را نیز بازتاب می دهد. شهرک اکباتان نمونه ای بارز از پیوند تاریخ و فضا است. این شهرک در اواخر دوران پهلوی دوم و در دورانی ساخته شد که معماری مدرن و استانداردهای جدید خانه سازی در ایران رواج داشت. این معماری تأثیر عمیقی بر ظاهر شهرک گذاشت و در

زمینه: بستری برای معانی: اکباتان به عنوان زمینه‌ای برای شکل‌گیری معانی و گزاره‌ها عمل می‌کند. یکنواختی کالبد و نبود تزئینات اضافی باعث شده تا معماری شهرک به پس‌زمینه‌ای برای تجارب ساکنان آن تبدیل شود. سادگی طراحی ضمن ایجاد ثبات بصری، امکان بروز عناصر طبیعی و فعالیت‌های اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد. ساکنان می‌توانند عناصر محیطی، مانند درختان و فضای سبز، (تصویر ۷) را به عنوان نقاط عطف در زندگی روزمره شناسایی کنند که جان‌مایه زندگی را در این محیط تقویت می‌کند. [۵۵] سادگی و یکنواختی فضا به خوبی کنشگری ساکنان را نمایان می‌کند که در قالب دیوارنوشته‌ها و پیام‌های هنری بر روی جداره‌های مجموعه، حیات اجتماعی و فرهنگی را به نمایش می‌گذارند (تصویر ۸) و تشخیصی ویژه به اکباتان می‌بخشند. یکنواختی شهرک اما ممکن است به حس خستگی و بی‌تفاوتی در برخی ساکنان منجر شود، به طوری که محیط را فضایی خنثی و بی‌روح تلقی کنند. با این وجود، ویژگی‌های زمینه‌ای به شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی کمک می‌کند تا با عناصر ساده، فضایی برای خاطرات و تجربیات مشترک فراهم گردد و به نوعی مدنیت فضایی را رقم خورد.

ناخودآگاه ساکنان نفوذ کرد، به طوری که بدل به بخشی از هویت شهری آن‌ها شد. سکونت در اکباتان برای ساکنان به معنای زندگی در فضایی متفاوت و یادآور دهه‌های گذشته است. بسیاری از ساکنان، آن را بخشی از تاریخ زندگی خود می‌دانند و خاطرات کودکی، روابط اجتماعی و رویدادهای فرهنگی را در آن تجربه کرده‌اند. این حافظه جمعی بر شکل‌گیری هویت مشترک تأثیرگذار بوده و اکباتان را به مکانی خاص و منحصر به فرد تبدیل می‌کند. به این ترتیب، تاریخ اکباتان نه تنها در ذهن ساکنان آن، بلکه در حافظه جمعی شهر به عنوان یک فضای نمادین تعبیر شده است.

این تاریخ جمعی و بازنمایی‌های هنری، بر معنای درونی و بیرونی فضاها اثرگذار بوده و آن را از یک مکان فیزیکی به یک نشانه فرهنگی و اجتماعی تبدیل کرده است. اکباتان به عنوان پیامد تعامل پیچیده بین تاریخ و فضا، نشان می‌دهد که چگونه گذشته می‌تواند حال را شکل دهد و به فضاهایی که زیست افراد را احاطه کرده‌اند، معنا ببخشد. این تعامل، باعث می‌شود که فضا به واسطه عناصر فیزیکی خود، از طریق لایه‌های معنایی تاریخی و فرهنگی‌اش، به یک تجربه زیسته عمیق تبدیل شود.

	
تصویر ۶: مسیرهای مورب که میان ساکنان به راه کج معروف است. دیگر نشانه جالب توجه این مجموعه می‌باشد. مأخذ: نگارندگان.	تصویر ۵: سنگفرش‌های اکباتان که در سراسر مجموعه تکرار شده و از نشانه‌های مهم این مجموعه است. مأخذ: نگارندگان.

	
تصویر ۸: تصاویر گرافیکی و متن‌های مختلف بر روی بدنه بلوک‌ها. کالبد به مثابه پیام‌رسان.	تصویر ۷: کالبد مجموعه به مثابه زمینه‌ای برای نقش‌آفرینی عناصر طبیعی فضاهای عمومی

تفسیر مصاحبه‌ها و استخراج سازه‌های معنایی

در این بخش، مصاحبه‌های ساکنان شهرک اکباتان به روش تحلیل مضمون بررسی می‌شود تا سازه‌های معنایی جاری در فضاهای عمومی این مجموعه که فرآیندی کلیدی را برای فهم تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان شکل می‌دهند، استخراج شوند. ابتدا واحدهای معنایی مرتبط شناسایی و سپس در قالب مضامین اولیه دسته‌بندی می‌شوند. با بررسی عمیق‌تر، این مضامین به سازه‌های معنایی کلان تبدیل می‌شوند که نحوه ادراک و تجربه کاربران از فضاهای عمومی و معماری اکباتان را منعکس می‌کنند. این سازه‌ها به عنوان چارچوبی برای تحلیل نظام معنایی فضاها عمل کرده و درک معانی و کارکرد آن‌ها را بر اساس تجربیات ساکنان میسر می‌گرداند.

سازه معنایی ۱: هویت منحصر و تمایز فضایی از شهر

ساکنان شهرک اکباتان به طرق مختلف به معنای مجزا و منحصر به فرد این مجموعه نسبت به دیگر نقاط شهر اشاره می‌کنند. آن‌ها از عناوینی چون "اکباتانی" و "شهرکی" برای خود و همسایگان استفاده می‌کنند که این برجسب، زندگی در این مجموعه را متمایز می‌سازد. هرچه مدت زمان حضور ساکنان در این مجموعه بیشتر باشد، این هویت نیز پررنگ‌تر می‌شود و به‌ویژه برای اکباتانی‌های قدیمی، بار معنایی قابل توجهی ایجاد می‌کند. این نوع نام‌گذاری و تفکیک میان اکباتان و محله‌های اطراف، با موضوع هویت‌یابی شهری مرتبط است؛ شهروندان در تلاش هستند تا تفاوت‌های خود با دیگران و شباهت‌های خود با یکدیگر را برجسته کنند. هویت معماری و شهرسازی، محصول تعامل و کنش متقابل فرد و اثر است

که بر اساس ویژگی‌های اثر و تصویر ذهنی مخاطب شکل می‌گیرد [۵۶] و مستلزم درک دو معنای متضاد و مکمل یعنی شباهت و تفاوت است: شباهت درون‌گروهی در عین تفاوت برون‌گروهی. [۵۷] بنابراین، بزرگ‌ترین و جامع‌ترین سازه معنایی تولیدشده توسط ساکنان فاز یک شهرک اکباتان، استقلال فضایی مجموعه از طریق شباهت درون‌گروهی (عناصر فضایی، معمارانه و زبان مشترک) و تفاوت برون‌گروهی (از مجموعه‌های اطراف و کل شهر به واسطه تاریخ، زبان، روایت و نشانه) است. بر اساس نظر ساکنین، این شباهت و تفاوت از طریق انسجام کالبدی شهرک تجلی می‌یابد. یکنواختی مصالح، فرم پنجره‌ها و طراحی کلی بناها، ویژگی‌هایی هستند که به تولید معنای مستقل از فضا کمک می‌کنند. این شکل منحصر به فرد کالبدی، نه تنها مشخصه‌ای واحد برای ساکنین ایجاد می‌کند، بلکه تفکیکی شفاف با فضاهای محله‌های اطراف، نظیر شهرک آپادانا و کوی بیمه، فراهم می‌آورد. یکی از ساکنان در مصاحبه‌ها به یادآوری دیوارکشی میان اکباتان و کوی بیمه اشاره می‌کند که این مرزبندی ذهنی را نمایان می‌سازد.

این استقلال فضایی از طریق مضامین مختلفی قابلیت خوانش دارد که در جدول ۲ آمده است. یکی از پایه‌های تمایز محل زندگی از سایر نقاط شهر، شکل‌گیری احساسی از مالکیت و تعلق به آن است. تجربه زیستی که با خاطرات و حس نوستالژیک از دوران کودکی همراه است، به همراه رضایت از وضعیت کنونی سکونت، می‌تواند این حس را تقویت کند. همچنین، مرزبندی‌های فیزیکی و ذهنی که از طریق محدود کردن فعالیت‌ها به درون مجموعه شکل می‌گیرد، موجب

فاصله‌گذاری و جداسازی ذهنی و فیزیکی شده و زمینه‌ساز تقویت هویت محلی می‌شود. از دیگر عناصر کلیدی در شکل‌گیری هویت و استقلال فضایی از شهر، بازتولید فرهنگی و زبانی در فضاهای عمومی است که به واسطه بهره‌مندی ساکنان از نام و آوازه شهرک و مشارکت در حفظ و توسعه آن تحقق می‌یابد. همچنین، استفاده از زبان و اصطلاحات خاص بین ساکنان و نمادهای مشترکی که در این فضا بازتولید شده‌اند، نقشی مؤثر دارند. درنهایت، تداوم فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در فضاهای عمومی بسته، نیمه‌باز و باز، که از پویایی و استمرار روابط اجتماعی درون مجموعه نشأت می‌گیرد، مجموعه‌ای از مضامین سازنده استقلال فضایی شهرک اکباتان از شهر را تشکیل می‌دهد.

سازه معنایی ۲: مدنیت فضایی و کنشگری اجتماعی

وجه مهم هر محدوده سکونتی، میزان حضورپذیری فضاهای عمومی آن و فرصت‌هایی است که برای بروز رفتارهای اجتماعی و مدنی شهروندان فراهم می‌کند. از شاخصه‌های

کلیدی سنجش موفقیت این قبیل مجموعه‌ها، جاری بودن مدنیت شهری در آن به شمار می‌رود. به این معنا که فضا باید امکان حضور لایه‌های مختلف اجتماعی را فراهم کرده و به ساکنان اجازه بروز عقاید و دیدگاه‌های خود را دهد تا در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند. در شهرک اکباتان، این مسئله به نقطه عطفی برجسته تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که بسیاری از ساکنان به دموکراسی موجود در فضا و تناسب میان فضاها و رفتارهای مدنظر خود اشاره کرده‌اند. همزیستی شکل‌گرفته در اکباتان به‌عنوان یک معنای کلیدی بر زندگی روزمره ساکنان تأثیرگذار است. این مدنیت فضایی به‌طور قابل‌توجهی تابع نوع ارتباط بین کالبد معماری و فضاهای باز است. تنوع فضاهایی که در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد، به همراه نسبت هماهنگ و مقیاس انسانی در سازماندهی فضایی، تأثیر زیادی بر تعاملات اجتماعی دارد. از دیگر سو نحوه نظارت بر فعالیت‌ها نیز از دیگر موارد اشاره‌شده ساکنین است.

جدول ۲: واحدهای معنایی، مضامین اولیه و اصلی، سازه معنایی هویت مستقل و تمایز فضایی از شهر، مأخذ: نگارندگان

واحدهای معنایی	مضامین اولیه	مضامین اصلی	سازه معنایی
اکباتان به‌مثابه خانه برای ساکنین	فضای زیستی و تجربه زیست‌محیطی	حس تعلق به مجموعه و مکان	هویت منحصر و تمایز فضایی از شهر
تجربه کودکی و نوستالژی در فضای اکباتان			
احساس امنیت و آرامش به دلیل ساختار بسته و منظم شهرک			
جداسازی فیزیکی و ذهنی شهرک از محلات مجاور	مرزبندی‌های فیزیکی و ذهنی	جداسازی فضایی و تقویت هویت محلی	
تولید فضا و فعالیت‌های داخلی جدا از بیرون			
فاصله‌گذاری از طریق طراحی منحصربه‌فرد و فضاهای عمومی			
هویت گرفتن از نام و آوازه اکباتان و تمایز از دیگران	تمایز هویتی ساکنان	بازتولید فرهنگی و زبانی در فضاهای عمومی	
حس مشارکت در حفظ و توسعه شهرت و هویت شهرک			
ایجاد زبان ویژه اکباتان و اصطلاحات منحصربه‌فرد	شکل‌گیری زبان و نمادهای مشترک		
شکل‌گیری نشانه‌های فرهنگی در تعاملات روزمره			
تداوم فعالیت‌ها و تعاملات درون مجموعه	پویایی و استمرار روابط اجتماعی	تداوم فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در فضای عمومی	
اهمیت فضاهای عمومی در تقویت روابط اجتماعی			
نقش معماری و طراحی در شکل‌دهی به روابط اجتماعی			

جدول ۳ بیانگر واحدهای معنایی و مضامین مربوط به سازه مدنیت فضایی و کنشگری اجتماعی است. بر این اساس

کنشگری به تنوع فعالیت‌های اجتماعی بستگی دارد که از طریق برگزاری رویدادهای مختلف، چه رسمی و چه

غیررسمی، و تکرار تعاملات در ریز فضاها شکل می‌گیرد. این موضوع به‌عنوان مضمون اصلی دینامیک‌های اجتماعی و مدنی، امکان تحرک اجتماعی را تقویت می‌کند. مضمون دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است، پذیرش همزیستی در فضاهای عمومی است؛ همزیستی که با تنوع اجتماعی و حضور لایه‌های مختلف از سکنه، نوعی همبستگی نسبت به فضا را در تعاملات ایجاد می‌کند. پذیرش تازه‌واردانی که به مجموعه نقل‌مکان کرده‌اند، از مهم‌ترین واحدهای معنایی در

این راستاست. علاوه بر این، تأثیر فضا بر کنشگری اجتماعی ساکنان، از طریق نهادهای سازی تعاملات میان فردی و کیفیت زندگی در فضاهای عمومی محقق می‌شود. برجستگی ویژگی تنوع‌پذیری افراد و گروه‌های اجتماعی، اکباتان را بدل به پاتوقی برای سایر شهروندان کرده که معنا سازی مشترک نسبت به فضاهای آن در میان بسیاری از شهروندان، امری رایج بوده و هست.

جدول ۳: واحدهای معنایی، مضامین اولیه و مضامین اصلی سازه معنایی مدنیت فضایی و کنشگری اجتماعی، مأخذ: نگارندگان.

واحدهای معنایی	مضامین اولیه	مضامین اصلی	سازه معنایی
رویدادهای غیررسمی و بعضاً رادیکال	تنوع فعالیت‌های اجتماعی	دینامیک‌های اجتماعی و مدنی	مدنیت فضایی و کنشگری اجتماعی
دموکراسی جاری در فضاهای مختلف			
تعاملات مکرر و روزمره			
پذیرش تازه‌واردها توسط ساکنان قدیمی	تنوع اجتماعی و همبستگی در تعاملات ساکنین	پذیرش همزیستی در فضاهای عمومی	
تنوع در فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری			
اثرات فرهنگی و هویتی فضا			
رویداد پذیری فضاهای مختلف مجموعه			
آزادی عمل ساکنین			
درگیری‌های اجتماعی و سیاسی	نهادینه‌سازی تعاملات میان فردی	تأثیرات فضایی بر کنشگری اجتماعی	
درک و تجربه ساکنان از فضا			
فضاسازی اجتماعی و فرهنگی			
احساس امنیت و آرامش در فضاهای مشترک			
نقش فضاهای سبز در تعاملات اجتماعی			
تأثیر معماری بر زندگی روزمره	تأثیر فضا بر کیفیت زندگی		
استفاده از فضاهای عمومی برای فعالیت‌های فرهنگی			
تعاملات بین نسلی در فضاهای مشترک			
ظرفیت فضاها برای برگزاری رویدادهای اجتماعی	پویایی فضاهای عمومی		
چالش‌های اجتماعی در فضاهای عمومی			
تنوع فعال جنسیتی در رویدادها			

سازه معنایی ۳: روایتگری و تجربه فضایی

روایتگری در فضاهای معماری به عنوان سازوکاری برای بازتولید معنا و تجربه‌ی جمعی عمل می‌کند. این فضاها از طریق تعاملات اجتماعی و تجربیات ساکنان خود، به عرصه‌های روایتی تبدیل می‌شوند که داستان‌ها و خاطرات جمعی را بازتولید می‌کنند. گاستون باشلار [۳۷] در بوطیقای فضا بیان می‌کند که معماری از طریق تداعی‌های ذهنی و ادراکی به تولید خاطرات و روایت‌های مکان کمک می‌کند. به گفته‌ی فران تونکیس [۴۴]، این روایت‌ها شناخت بهتر هویت فرهنگی مکان‌ها را میسر کرده و یوهانی پالاسما [۵۸] نیز بر اهمیت معماری به عنوان بستری برای بیان داستان‌های حسی و جمعی تأکید می‌کند. در این رویکرد، معماری پس‌زمینه‌ای برای رویدادها بوده که از طریق روایت‌های جمعی به واحدهای معنایی تبدیل می‌شود. روایت‌های فضایی در کنار شناخت هویت فرهنگی و تاریخی مکان، در شکل‌گیری و تقویت حس تعلق نیز مؤثرند. این رویکرد به فضاهای عمومی و معماری، امکان خوانش چندلایه‌ای و درک پیچیدگی‌های مختلف در فرآیند روایتگری و تجربه‌ی فضایی را فراهم می‌کند. تاریخچه‌ی شهرک اکباتان، اصطلاحات و واژه‌های رایج در بین ساکنان آن، و همچنین انسجام ساختاری نسبت به محلات هم‌جوار، بستر مناسبی برای روایتگری در فضاهای این

مجموعه سکونتی فراهم کرده است. یکی از ویژگی‌های بارز اکباتان، داستان‌ها و روایت‌هایی است که میان اهالی آن جریان دارد. به عنوان یک نمونه شهری، فضای اکباتان محلی برای سکونت و فضایی غنی از روایت و تجربه انسانی است که از طریق سه مضمون اصلی قابل تبیین است: اول، تعیین و سازمان‌دهی فضاها که با مشخص کردن مرزهای عینی و ذهنی و نام‌گذاری اختصاصی، پیوندی میان روایت‌های ساکنان برقرار می‌کند. دوم، تعاملات و روایت‌های جدید که با توجه به تاریخچه و سابقه بنا، تحت تأثیر مقتضیات روز و دغدغه‌های جدید ساکنان، اشکال نوینی به داستان‌های میان-فردی می‌بخشند. این تعاملات روزمره فضای اکباتان را به عرصه‌ای برای تولید روایت‌های جدید تبدیل می‌کند و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به بازتولید و تغییر معنا در این فضاها کمک می‌کنند. سوم، تجربه و روایت در فضا که به واسطه بازنمایی تاریخی معماری و فضاهای عمومی به صورت فردی و جمعی شکل می‌گیرد. ساکنان با زیستن در اکباتان، روایاتی شخصی و جمعی از فضاهای معماری و عمومی تولید می‌کنند که به تداعی خاطرات و ایجاد معنا در این فضاها منجر می‌شود و هر فضا داستانی منحصر به فرد از روابط اجتماعی را در برمی‌گیرد. مجموعه این مضامین در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: واحدهای معنایی، مضامین اولیه و مضامین اصلی، سازه معنایی روایتگری و تجربه فضایی، مأخذ: نگارندگان

واحد‌های معنایی	مضامین اولیه	مضامین اصلی	سازه معنایی	
روایتگری و تجربه فضایی	تعیین و اختصاصی سازی فضاها تداوم و تغییر معانی فضاها پیوند بین روایت‌های فردی و جمعی	تعیین و سازمان‌دهی فضاها	تعیین حدود فضایی از طریق نام‌گذاری اختصاصی آن‌ها	
			اختصاصی کردن فضاها و انجام فعالیت درون آن‌ها	
			تغییر معانی فضاها در طول زمان از طریق روایت‌های ساکنان	
			هم‌پیوندی کالبد و تداوم معانی تولیدشده	
			روایت‌های فردی و جمعی از فضاها	
			تغییر معانی از طریق روایت‌های جمعی ساکنین	
	چگونگی طراحی فضا بر اساس روایت‌ها تأثیر طراحی بر رفتار ساکنین	طراحی فضا بر اساس روایت‌های فرهنگی و اجتماعی تعاملات و روایت‌های فضایی جدید	تعاملات اجتماعی و روایت‌های جدید	چگونگی ایجاد معانی جدید از طریق تعاملات فضایی
				بازخورد تعاملات بر روی معانی فضا
				نقش تجربه در ایجاد روایت‌های جدید از فضاهای عمومی
				بازنمایی تجربه فردی و جمعی در فضاها
	بازنمایی تاریخی فضاها در روایت‌های عمومی تأثیر تاریخ بر شناخت ساکنین از فضاها	تجربه و روایت بازنمایی تاریخی فضاها	تجربه و روایت در فضا	

برداشت‌های ساکنین از خدمات و عناصر موجود در فضا و همچنین تعامل با این عناصر صورت می‌گیرد. کیفیت کالبدی-فضایی و تولید معنا، مضمونی است که ارتباط مستقیمی با دنج بودن، یکنواختی فضاها و مرزبندی‌های کالبدی دارد. مرزهای عینی و ذهنی که درون فضاهای مجموعه شکل می‌گیرند، به‌ویژه در کنج‌های فضایی، کیفیت خاصی برای تولید معناهای فردی و جمعی ایجاد می‌کنند. دیگر مضمون اصلی در سازه معنایی «معماری به‌عنوان بستر نقش‌آفرینی‌های روزمره»، پویایی و تطبیق‌پذیری فضا است. این موضوع امکان ارائه فضاهای مختلف و هماهنگی فضا با کنش‌های گوناگون را میسر ساخته است. درنهایت، معنای تاریخی-فرهنگی معماری فضا و تجربه ساکنین به‌واسطه تأثیر نشانه‌ها، روایت‌ها و طراحی معماری مجموعه، مضامین این سازه معنایی را تکمیل می‌کند.

سازه معنایی ۵: خصلت تاریخی فضا

شهرک اکباتان میراثی از تاریخ معماری معاصر ایران است و نیم‌قرنی که از ساخت آن می‌گذرد به همراه رویدادها و تجربیات زیسته ساکنین و نگاه سایر شهروندان به آن، موجب شده تا این مجموعه سکونت‌فضایی تاریخمند و واجد ارزش شناخته شود. از این‌رو، گذشته مجموعه خود بدل به سازوکاری برای تولید معنا می‌شود. ارجاع به زمان ساخت و تجربه موفق اکباتان در ساماندهی امور مسکن (حداقل در ذهن شهروندان) و خاصیت مدرنیسمی آن، که الگویی پیشرو از سکونت در زمان خود در ایران را نمایندگی می‌کند، از مهم‌ترین شاخصه‌های خصلت تاریخی فضای اکباتان است. زیست چند نسل در بستر شهرک و حضور تعدادی از قدیمی‌ها که از بدو بهره‌برداری مجموعه و یا در سال‌های اولیه در آن سکونت گزیدند، این عامل را تقویت می‌کند. فضای سبز مجموعه که اکنون با گذر زمان درختانی کهن‌سال دارد، رد زمان بر نماهای بتنی، روایت‌های تاریخی و سینه‌به‌سینه نقل‌شده، واکنش رسانه‌ها در قالب تصویر، فیلم و کتاب، کنشگری تاریخی و تاریخچه رفتارها و الگوهای اجتماعی همگی بر این خصلت تاریخی صحنه می‌گذارند. برای جامعه معماران و شهرسازان معاصر ایرانی، پنج اصل لوکوربوزیه که تمام و کمال در بلوک‌های شهرک قابل‌روایت است، مجموعه را بدل به میراث معاصر معماری شهری کرده است. اما از دید ساکنین یکسان‌سازی

سازه معنایی ۴: معماری بستر نقش‌آفرینی‌های روزمره

یکی از کارکردهای مهم معماری در شهر، فراهم آوردن بستری برای رخدادها و رفتارهای اجتماعی است. در چنین حالتی، معماری به‌جای آن‌که خود را به‌عنوان عاملی برجسته نشان دهد، به زمینه‌ای تبدیل می‌شود که دیگر مؤلفه‌ها در آن نقش ایفا می‌کنند. این ویژگی به‌خصوص در شهرک اکباتان قابل‌مشاهده است؛ جایی که معماری به پس زمینه می‌رود و فضا برای تولید معنا، کنشگری اجتماعی و تعاملات انسانی باز می‌شود. به‌عنوان مثال، دیوارنگاری‌ها و شعارنویسی‌ها که برخی از افراد بر جداره‌ها و ستون‌های پیلوتی شهرک برجای گذاشته‌اند، بیانگر حضور فعال و خلاقانه آن‌ها در این فضاها است. نکته‌ای مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان در این ارتباط، یکنواختی بدنه بلوک‌ها و نبود تنوع در سازمان‌دهی کالبدی مجموعه است. در نگاه اول، این یکنواختی می‌تواند برای ساکنان خسته‌کننده و فضا را تکراری و خشک جلوه دهد. با این حال، این تکرار و یکدستی از زاویه‌ای دیگر بستری برای برجسته‌سازی کنش‌های اجتماعی فراهم آورده است و معماری شهرک اکباتان همچون بوم نقاشی عمل کرده که هر فرد می‌تواند نقش عینی و ذهنی خود را بر آن زند. برخی از ساکنان اکباتان نمای کالبدی شهرک خود را یکنواخت، سرد و خشک معرفی می‌کنند. این یکنواختی، هرچند از یک سو به سردی و خشکی نماهای بتنی منجر شده، اما در عین حال باعث شده تا فضای سبز و فعالیت‌های جمعی و فردی بیشتر دیده شوند. به‌علاوه، این ویژگی در همسویی با رویکرد زمینه‌گرایی در معماری است؛ تفکری که معتقد است معماری می‌تواند به‌جای تک‌صدایی، هم‌آوایی با دیگر عناصر شهری را ایجاد کند. البته، تجربیات مختلف انبوه‌سازی و مجموعه‌سازی نشان داده است که یکنواختی بیش از حد در فرم‌های معماری به بی‌هویتی فضایی و عدم خوانایی منجر می‌شود. همان‌طور که هنوز برای بخشی از مصاحبه‌شوندگان اکباتان سرد، یکنواخت، و ناخوانا است. با این وجود، اکباتان به‌عنوان یک نمونه برجسته از معماری مدرن شهری، چالش مهمی را درباره رابطه میان فرم، فضا و تجربه زیست شهری مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که حتی یکنواختی ظاهری هم می‌تواند به‌عنوان بستری برای زندگی، تعامل و خلق معنا به کار رود. مطابق با جدول ۵، معناسازی از طریق تجربه فضاهای معماری به‌واسطه

حدود بسیار زیادی محوشده و جای خود را به مهاجرت درون‌شهری از محله به محله دیگر بر اساس بضاعت مالی شهروندان داده است. بر مبنای مصاحبه‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد اکباتان از معدود محلات و مناطق شهری نوپدیدی است که هنوز نسل‌های جدید را می‌تواند به ماندن در این شهرک ترغیب کند. بسیاری از مصاحبه‌شنوندگان بر علاقه خود بر ماندن در این مجموعه تأکید کردند و حتی استقلال خود از خانواده را در درون فضای همین شهرک عملی می‌دانند. بر این اساس تاریخ فضا سازوکاری معنا ساز است و به‌صورت ذهنی رد زمان را بر باورها نسبت به این مجموعه تقویت می‌کند. پاک شدن این خصلت از محلات جدید و شهرهای تازه تأسیس از جمله معضلات مفهوم‌پردازی پیرامون معانی شهر است. جدول ۶ بیانگر واحدهای معنایی و مضامینی است که پیرامون سازه معنایی خصلت تاریخی فضا مطرح شد.

انبوهی از واحدهای مسکونی از طریق مترپال نما و طرح پنجره‌ها بدل به مرجع تاریخی برای اتصال به گذشته شده است. پایداری اکباتان در پنج دهه اخیر از جنبه‌های سازه، ساخت و پویایی اجتماعی که هنوز می‌توان در آن مشاهده کرد، اذهان عمومی را متوجه قابلیت‌های این شهرک کرده است. برخلاف تجربه‌های شهرنشینی در تهران و کلان‌شهرها که معمولاً عمر زیست‌پذیری ساختمان‌ها کم است، در اینجا ثبات بنا در عین پاسخگویی به نیاز ساکنین، قابل توجه است. در کنار این موارد، تاریخ فضا و البته عدم وجود مستندسازی منسجم، موجب اسطوره‌سازی‌هایی پیرامون شکل و تاریخ بنا شده است. با این وجود نمی‌توان ثبات این مجموعه را در شناخته شدن آن و تمایز از محلات هم‌جوار نادیده گرفت. پس از توسعه‌های جدید شهرها، تجربه سکونت‌های چند نسلی در محلات که امری رایج و مرسوم در شهرهای سنتی ایران بوده است تا

جدول ۵: واحدهای معنایی، مضامین اولیه و مضامین اصلی سازه معنایی معماری بستر نقش‌آفرینی‌های روزمره، مأخذ: نگارندگان.

واحدهای معنایی	مضامین اولیه	مضامین اصلی	سازه معنایی
عناصر کالبدی و منظر معنایی شهرک اکباتان	برداشت‌های ساکنین از خدمات و عناصر فضا	معناسازی از طریق تجربه فضاهای معماری	معماری بستر نقش‌آفرینی‌های روزمره
تناسب میان خدمات فضا و نیاز ساکنین			
تولید معنا از طریق مصادره کالبدی			
نقش‌های مختلف بر جداره‌های بیرونی بناها			
یکنواختی کالبدی	تأثیر دنج بودن و یکنواختی بر تجربه ساکنین	کیفیت کالبدی- فضایی و تولید معنا	
دنج بودن فضاها			
تناسب ابعاد کالبد و رفتارهای فضایی	تأثیر ابعاد و مرزهای کالبدی فضایی بر برداشت‌های ساکنین		
فضاهای انتقالی و گذر			
مرزهای کالبدی و نفوذپذیری			
تغییر کاربری‌های فضایی	پویای کالبدی و تأثیر بر معنا بخشی به زندگی روزمره	پویایی و تطبیق‌پذیری فضا	
تطبیق‌پذیری فضاها			
نشانه‌های فیزیکی فضاهای معماری	تأثیر نشانه‌ها و روایت‌ها بر معنای فضا برای ساکنین	معنای تاریخی - فرهنگی معماری فضا و تجربه ساکنین	
روایت‌های تاریخی کالبد معماری			
چگونگی تأثیر طراحی فضاها بر احساسات و رفتارهای ساکنین	تأثیر معماری و طراحی بر برداشت‌های ساکنین از فضاها		
تأثیر سیاست‌های کالبدی بر درک فضایی			

جدول ۶: واحدهای معنایی، مضامین اولیه و مضامین اصلی سازه معنایی خصلت تاریخی فضا، مأخذ: نگارندگان.

واحد معنایی	مضمون اولیه	مضمون اصلی	سازه معنایی
تداوم خاطره‌های گذشته به اکنون تداوم خاطرات از نسل‌های گذشته تأثیر فضاهای تاریخی بر زندگی روزمره بازنمایی تاریخ در معماری معاصر خاطره‌انگیزی فضا برای فرد و جمع تأثیر خاطرات فردی بر شناخت فضایی خاطرات جمعی و هویت اجتماعی تأثیر اجتماعی مکان‌های خاطره‌انگیز فضای خاطره ساز و حس نوستالژیک آن احساس امنیت و راحتی در فضاهای تاریخی تجربه زیبایی‌شناختی از فضا تأثیر فضا بر یادآوری خاطرات اعتبار گرفتن از تاریخ مجموعه تأثیر تاریخ بر هویت جمعی ساکنان نقش نمادها و نشانه‌های تاریخی در فضا ارتباط بین تاریخ و فرهنگ محلی تداوم تاریخ در فضاهای عمومی معماری به‌عنوان حافظه تاریخی تأثیر عناصر تاریخی در طراحی معاصر فضاهای عمومی و تاریخ‌سازی نقش حافظه در درک فضا تأثیر خاطرات مشترک بر ادراک فضایی نقش فضا در شکل‌گیری حافظه جمعی تجربه‌های مشترک و حس تعلق به مکان اثرهای معماری معاصر بر تجربه ساکنان طراحی معاصر و یادآوری تاریخ فضاهای عمومی و حس نوستالژیک ارتباط بین معماری و هویت تاریخی نوستالژی در فضاهای بتنی یادآوری خاطرات گذشته احساس تعلق به فضاهای بتنی تأثیر فضاهای بتنی بر هویت محلی تأثیر پنجره‌های بزرگ بر تجربه بصری تجربه بصری و ارتباط با محیط تأثیر طراحی معماری بر تجربه بصری نور و فضای داخلی	پیوند بین گذشته و حال اثرات اجتماعی و فردی خاطرات تجربه‌های احساسی و شناختی از فضا نقش تاریخ در تحقق هویت اجتماعی بازتاب تاریخ در معماری رابطه حافظه جمعی با هویت و تجربه فضایی	تأثیر تاریخ و خاطرات بر تجربه فضایی ساکنان 	

استطاعت در دو دهه اخیر بیانگر عدم توجه به این موضوع است. غلبه کمیت بر کیفیت و ساخت بر طراحی موجب شده تا تولید فضاها به سمت یکسان‌سازی و بی‌توجهی به معانی ساخته‌شده توسط مخاطبین برود. خلاصه‌سازی نیازها و ضروریات شهروندان به سرانه‌های حداقلی و عدم توجه به کنشگری و تعاملات آن‌ها در بستر فضاهای عمومی موجب می‌شود تا فضاهای نازل و فاقد کیفیت لازم، خروجی این قبیل مسکن‌ها باشد و در مرور زمان آسیب‌های مختلفی را به‌ویژه در ابعاد اجتماعی دربرگیرد. بر همین مبنا و مطابق با نتایج این پژوهش توجه به روایت‌هایی که فضا می‌تواند در اختیار شهروندان قرار دهد، قابلیت ساخت معانی توسط مخاطبین فضا، احساس مالکیت آن‌ها بر روی فضا از طریق ارتباط با تاریخ، نشانه‌ها و کالبد مجموعه و همچنین شکل‌گیری زبان منحصر به فرد درون فضا می‌تواند تجربه تاریخی شهرهای ایران را در بسترهای جدید و همسو با نیازهای تازه افراد تأمین کند. لذا معاصر بودن معماری بیش از آن‌که منوط به بهره‌گیری از فناوری‌های نوین باشد درگرو ارتباط ذهنی و معنایی با مخاطبی است که با دغدغه‌های معاصر در فضاها گام برداشته و نسبت به آن کنش و واکنش دارد.

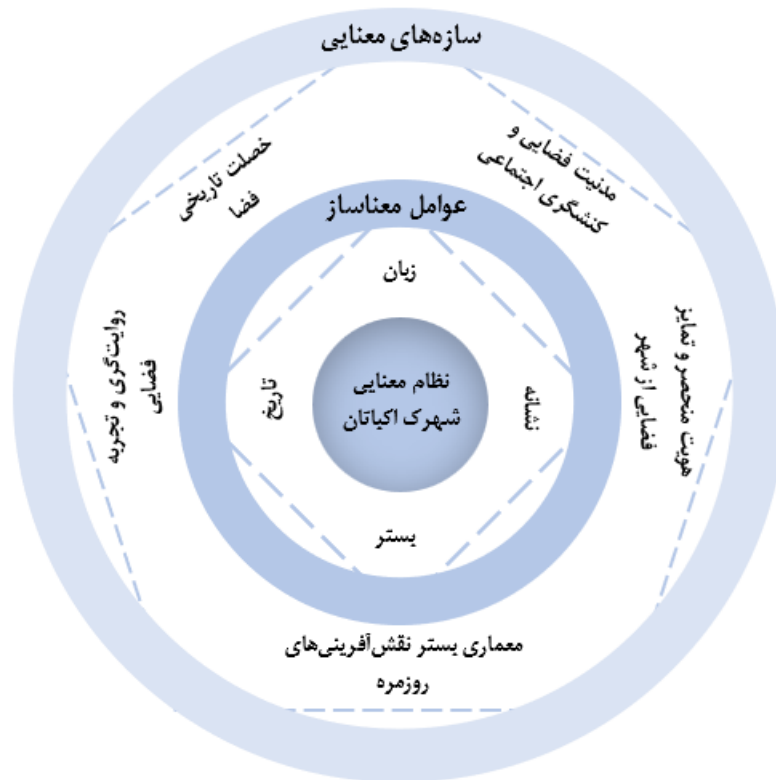
پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی: با توجه به اهمیت خوانش نظام‌های معنایی، این مطالعه برای پژوهش‌های آینده این روش مواجهه با معماری و فضاهای عمومی را در سایر بسترهای مطالعاتی نظیر: میدانگاه‌های عمومی، تالارهای شهری و فضاهای فرهنگی و تجاری پیشنهاد می‌کند؛ به‌ویژه با فراگیر شدن مال‌ها و مراکز تجاری در دهه اخیر در شهرهای ایران، نحوه مفهوم‌پردازی و معناسازی شهروندان نسبت به این قبیل فضاها حائز اهمیت است. سویه دیگر پیشنهادی این پژوهش، برقراری ارتباطی میان دانشی بین بعد معنایی و بعد کالبدی فضا و چگونگی تنظیم این رابطه در بسترهای مختلف شهری است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج این پژوهش تجربه زیسته ساکنین شهرک اکباتان در فضاهای عمومی آن، زمینه‌ساز تولید مجموعه‌ای از نظام‌های معنایی شده است. این نظام بر مبنای عوامل معناساز به بازتولید معانی مختلف در بستر فضاهای معماری و شهری مجموعه می‌پردازد که شامل: زبان (اصطلاحات و نام‌گذاری‌های منحصر به فرد)، نشانه‌ها (مشخصه‌های فضایی)، تاریخ (روایت‌های گذشته و حال)، و زمینه (بستری برای معانی) می‌شود. درنهایت بر مبنای تفسیر مشاهدات و مصاحبه‌های صورت گرفته به‌صورت میدانی و واکاوی معانی و مفاهیم ذهنی که به شکل فردی و جمعی توسط ساکنین این مجموعه تولید و بازتولید می‌شود، پنج سازه معنایی اصلی شکل‌دهنده به نظام تولید معنا در فضاهای عمومی اکباتان، استخراج گردید. این سازه‌ها شامل: هویت منحصر و تمایز فضایی از شهر، مدنیت فضایی و کنشگری اجتماعی، روایتگری و تجربه فضایی، معماری بستر نقش‌آفرینی‌های روزمره و خصلت تاریخی فضا هستند. نظام معنایی تبیین شده در نمودار ۱ به نمایش درآمده است.

بعد معنایی در فضاهای عمومی که با عاملیت معماری و طراحی شهری صورت می‌پذیرد، نظامی منسجم و به‌هم‌پیوسته است که از طریق عواملی اساسی قابلیت خوانش دارد. تجربه زیسته مخاطبان فضا سویه مهم و کمتر پرداخته‌شده در خوانش معماری و شهرسازی است که در بسیاری از موارد سرنوشت فضاهای طراحی‌شده توسط طراحان و برنامه‌ریزان را عوض کرده و در بازه‌های زمانی بلندمدت کلیت آن را به‌واسطه همین نظام معناسازی به کنترل و تصرف خود درمی‌آورند. فضاهای ساخته‌شده که با نگاه منفک از بستر طراحان شکل می‌گیرند و مبنای آن تأمین منافع ذی‌نفعان و خواسته‌های کارفرمایان است، لایه‌ای پنهان و اثربخش دارد که همان نظام معنایی است. به هر میزان که این شیوه ساخت شهر از طریق مکانیزم‌های بالا به پایین شکل گیرد، فاصله میان مخاطب فضا و طرح به سرانجام رسیده، بیشتر خواهد شد.

پیامد دیگر این مطالعه اهمیت تولید معانی در فضاهای سکونتی معاصر است. تجربه مسکن‌های اجتماعی و قابل



نمودار ۱: نظام معنایی جاری در فضاهای عمومی شهرک اکباتان شامل عوامل معنا ساز و سازه‌های معنایی بر اساس تجربه زیسته ساکنین.

تشکر و قدردانی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول، با عنوان «تبیین نسبت نظری-عملی معماری و فضای عمومی شهری در ایران» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه خاتم تهران انجام شده است.

تأییدیه‌های اخلاقی: موردی گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله و منابع مالی: نویسنده اول، پژوهشگر و نگارنده اصلی، ایده پرداز، انجام مطالعات، تدوین محتوا و فرایند تحقیق با سهم ۶۰٪، نویسنده دوم: پژوهشگر همکار، نظارت بر فرایند تحقیق و کنترل نتایج با سهم ۲۰٪، نویسنده سوم: پژوهشگر همکار، راهنمای روش‌شناسی، کنترل کیفیت نتایج و فرایند تحقیق با سهم ۲۰٪

References

- Liu X, Moayed H, Ahmadi Dehrashid A, Dai W, Thi QT. Developments and evolution of housing architecture in the post-Corona era with a health-oriented approach. *Build Environ*. 2024; 265: 111936. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2024.111936>
- Liu X, Moayed H, Ahmadi Dehrashid Y, Mak CM. Improving pedestrian level low wind velocity environment in high-density cities: A general framework and case study. *Sustain Cities Soc*. 2018; 42: 314-24. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2018.08.001>
- Doostmohammadi, H., Mahdavinnejad, M., Kamyabi, S. Contemporizing the Genome of Iran's Architecture Using Hybrid Algorithm; Case Study: Semnan's Contemporary Houses. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 2022; 14(37): 15-27. <https://doi.org/10.22034/aaud.2020.236640.2239>
- Zandieh M, Mahdavinnejad M. Post-Corona Design: Lessons from the impact of COVID-19 on the presence of elderly in the urban community spaces. *Naqshejahan* 2023; 12 (4) :1-21 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-63454-fa.html>
- Maroufi, H., Doulabi, P. Regeneration of Social and Administrative Features of Traditional Neighborhoods in Planning Contemporary Iranian Cities based on 'Neighborhood-Based' Principles. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 2020; 11(1): 25-40. <https://doi.org/10.30475/isau.2020.169056.1168>
- Saeidi, P., Salehi, A., Afshary, M. Formalistic References to the Architectural Background of Iran to Assign Identity to Contemporary Housing. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 2022; 15(36): 53-74. <https://doi.org/10.30480/aup.2022.3692.1793>
- Shokri Yazdan Abad S, Rafeian M. The Role Of Interactive Planning In Today's Urban Planning Field As Perceived By Professionals. *Naqshejahan* 2024; 14 (3) :81-104 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-73861-fa.html>
- Mikaeili R, Karami E, Yousefi Tazakor M. Study and analysis of quality evaluation indicators of contemporary Iranian-Islamic houses based on hierarchical analysis method (Case study: Houses built in the last 40 years in Tabriz). *CIAUJ* 2021; 6 (1) :19-38 URL: <http://ciauj-tabriziau.ir/article-1-281-fa.html>
- Abedini H, Ayvazian S, Diba D. Explaining the Theoretical Model for the Role of Architecture in Enhancing the Physical Qualities of Public Spaces as Contemporary Urban Heritage. *Naqshejahan* 2024; 14 (3) :43-62 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-75267-fa.html>
- Mirmiran, S. M., Malekafzali, A., Karimifard, L. Interpretive Phenomenology of Interface Spaces in House Architecture. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2022; 19(106): 57-68. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.293968.4934>
- Alimoradi, A., Ahmadi, H., Gobadian, V. Semantic Reading of the Safavid Period Urban Planning in the Formation of the City's Physical in Iran. *Urban Planning Knowledge*, 2020; 4(4): 63-80. <https://doi.org/10.22124/upk.2020.17269.1530>
- Pourzargar M, Abedini H. Explaining the Components of Contemporization and Quality Improvement of Emamzadeh Saleh's (AS) Adjacent Texture. *Naqshejahan* 2020; 10 (1) :63-74 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-41168-fa.html> <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.1.7.3>
- Mansour Hosseini, N., Javan Forouzande, A., Motalebi, G., Yaghoobi, M. Explain the Effect of Components of Open Spaces in Forming Different levels of meaning for the Elderly (Case study: Ekbatan Complex). *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 2023; 11(1): 193-214. doi:10.22061/jsaud.2022.8707.201
- Zolfaghari SM, Pons O, Nikolic J. Sustainability assessment model for mass housing's interior rehabilitation and its validation to Ekbatan, Iran.

- Journal of Building Engineering. 2022; 48:105685.
<https://doi.org/10.1016/j.jobbe.2022.105685>
15. Gholami, S., soheili, J., rahbarimanesh, K. Middle-Class Housing Analysis in the Second Pahlavi Period Based on the Shape Grammar (Case Study: Narmak Neighborhood and Ekbatan Town of Tehran). The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 2021; 18(103): 49-64. doi: [10.22034/bagh.2021.239803.4608](https://doi.org/10.22034/bagh.2021.239803.4608)
 16. Akhondi P, Jalili M, Talischi G, Sasan Pour F. modeling the effects of enclosure components in Ekbatan and Ati Saz residential complexes. International Journal of Applied Arts Studies (IJAPAS). 2024; 9(3):101-116. <http://www.ijapas.ir/index.php/ijapas/article/view/478>
 17. Yazdani Rosram F, Saeide Zarabadi Z, Habib F. Investigating the effect of spatial relationships connection pattern of passages with its block entrance in Phase 1 of Ekbatan Town using biophilic design strategy. The Journal of Urban Futurology. 2023; 3(1):71-90. <https://doi.org/10.30495/uf.2023.1981185.1104>
 18. pourzargar M, Abedini H. Reading the Hidden Geometry in the Historic City and the Impact of Modern Evolution on It; Case Study: Sabzeh-Meydan, Tehran. Naqshejahan 2020; 10 (3): 231-238 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-43327-fa.html>
 19. Abedini, H. Baharestan Square and the Realization of Civic Space (A Critical Reading by the Spatial Perspective of the First Modern Urban Revolution in Iran). MANZAR, the Scientific Journal of Landscape, 2024; 16(67): 40-53. doi: 10.22034/manzar.2024.434927.2275
 20. Estarabi Ashtiani, H., Etesam, I., Majedi, H. Cultural-Identity Policies of Architectural Projects with Emphasis on Ekbatan Town of Tehran. Islamic Art Studies, 2020; 16(38): 37-47. <https://doi.org/10.22034/ias.2020.211859.1114>
 21. Hammersley M, Atkinson P. Ethnography: Principles in practice. 3rd ed. London: Routledge; 2007.
 22. Patton MQ. Qualitative research & evaluation methods. 4th ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications; 2015.
 23. Kvale S, Brinkmann S. InterViews: Learning the craft of qualitative research interviewing. 2nd ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications; 2009.
 24. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
 25. Marbaghi, B. Ekbatan Town; Modern Civility of Iranian Architecture. Tehran: Payam; 2016.
 26. Pourzargar, M., Abedini, H., & Etemadi, A. (2020). The Contribution of "Street" Component in the Process of Modernization and the Development of Tehran Case Study: The Lalehzar Street. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 17(91), 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.219365.4461>
 27. Banimasoud, A. Contemporary Architecture in Iran: from 1925 to the present. Mashhad: Kasra Publication; 2020.
 28. Mahdavinnejad, M. High-performance Architecture: Search for Future Legacy in Contemporary Iranian Architecture. Armanshahr Architecture & Urban Development, 2017; 9(17): 129-138.
 29. Zolfaghari SM, Pons O, Nikolic J. Sustainability assessment model for mass housing's interior rehabilitation: Application to the Ekbatan case in Tehran, Iran. UpCommons [Internet]. 2022 [cited 2024 Oct 6]. Available from: <https://upcommons.upc.edu/handle/2117/376084>
 30. Khabiri S, Pourjafar MR, Izadi MS. A case study of walkability and neighborhood attachment. Global Journal of Human-Social Science. 2020; 20 (H6): 57-70. <https://socialscienceresearch.org/index.php/GJHSS/article/view/3238>
 31. Mahdavinnejad M. Designerly Approach to Energy Efficiency in High-Performance Architecture Theory. Naqshejahan 2020; 10 (2):75-83. URL:<http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-41547-fa.html>
 32. Low SM. Spatializing culture: The social production and social construction of public space in Costa Rica. American ethnologist. 1996; 23(4):861-79. <https://doi.org/10.1525/ae.1996.23.4.02a00100>
 33. Emami Koupaei, S., Nourouz Borazjani, V., Safian, M. J. Phenomenology: A Methodology for Understanding Traditional Architecture. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 2018; 15(65): 13-24. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.74075>
 34. Merleau-Ponty M. The world of perception. London: Routledge; 2008.
 34. Hosseini Gohari P, Akbari A, Afhami R. Phenomenology of the Production of Urban Spaces Based on the lived Experience of Tehran Citizens in Public Cultural Places. Urban Design Discourse a Review of Contemporary Literatures and Theories 2023; 4 (2): 27-43 URL: <http://udd.modares.ac.ir/article-40-66235-fa.html>

35. Giddens A. *Sociology*. 6th ed. Cambridge: Polity Press; 2009.
36. Bachelard G. *The poetics of space*. Boston: Beacon Press; 1994.
37. Seamon D. *Life takes place: Phenomenology, lifeworlds, and place-making*. London: Routledge; 2018.
38. Shahrinrad M, Rafieian M, Pourjafar M R. Reading Society's Stories from the Urban Space as a text: Corroboration and Continuation of Sense of Place. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 2019; 12(27): 119-129. <https://doi.org/10.22034/aaud.2019.92454>
39. Mannan Raeesi M, Noghrekar A. The Ontology of Meaning in Architectural Works. *Hoviatshahr*, 2016; 9 (24):5-16. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17359562.1394.9.24.1.5>
40. Hojjat, E. Traditionalists' Tradition and Architects' Traditionalism. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 2015; 20(1): 5-16. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2015.56367>
41. Mansouri, S. A., Hemmati, M. An Evaluation of Persian-Speaking Researchers' Description and Interpretations of the Spatial Organization of Cities. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2021; 17(92): 5-18. https://doi.org/10.22034/bagh.2020.214720.442_1
42. Sajadzadeh, H., Eris, B. The study of meaning production in urban spaces based on the structuration theory case study: Tabriz Bazaar. *Human Geography Research*, 2017; 49(2): 273-287. doi: 10.22059/jhgr.2017.55475
43. Tonkiss, F. *Space and Social Theory*. Polity Press; 2019.
44. Bourdieu P. *Language and symbolic power*. Cambridge: Harvard University Press; 1991.
45. Pourbagher S. Designerly Approach to Highperformance Architecture: Interaction of Context and Emerging Technologies. *Naqshejahan* 2024; 13 (4) :123-146 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-73303-fa.html>
46. Rossi A. *The architecture of the city*. Cambridge (MA): MIT Press; 1984.
47. Lashgari F, Soheili J. The role of social interactions to create environmental security in residential complexes: A case study of Phase One of Ekbatan Town, Tehran. *Quarterly Journal of Environmental Based Territorial Planning*. 2023;15 (59):[page range]. Available from: <https://dori.net/dor/20.1001.1.2676783.1401.15.59.4.9>.
48. Abedini, H., Ayvazian, S. An Analysis of the Position of Historical Passages in the Structure of Public Urban Spaces (Case Study: Dar-Khoungah Passage, Tehran). *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 2022; 14(59): 74-87. https://doi.org/10.22034/manzar.2022.299343.21_46
49. Le Corbusier. *The city of tomorrow and its planning*. New York: Dover Publications; 1987.
50. Jencks C. *The language of post-modern architecture*. New York: Rizzoli; 1977.
51. Frampton K. *Modern architecture: A critical history*. London: Thames & Hudson; 1980.
52. Hall S, editor. *Representation: Cultural representations and signifying practices*. London: Sage Publications; 1997.
53. Raeesi M, Noghrekar A. Semantics in Architectural Works Based on Islamic View. *Naqshejahan* 2019; 8 (4): 259-266 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-31778-fa.html>
54. Collins G. *The urban landscape*. New York: Oxford University Press; 1981.
55. Riyahizadeh M, Falamaki M, Pourzargar M. Reading the Relationship between Historicism and the Concept of Identity in the Modern Architecture Heritage of Tehran (1310-1320). *Naqshejahan* 2022; 12 (3) :1-21 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-60342-fa.html>
56. Mahdavejad M, Bermanian M, Khaksar N. Architecture and Identity-Explanation of the Meaning of Identity in Pre-Modern, Modern and Post-Modern Eras. *Hoviatshahr*, 2010; 4 (7):113-122. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17359562.1389.4.7.12.7>
57. Pallasmaa J. *The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses*. Hoboken: John Wiley & Sons Inc; 2012.